

المفيد (م. ۴۱۳ق)، قم، نشر اسلامی، ۱۴۱۰ق؛ من لا يحضره الفقيه: الصدوق (م. ۳۸۱ق)، به کوشش غفاری، قم، نشر اسلامی، ۱۴۰۴ق؛ منهج الصالحين: سيد محمد سعيد الحكيم، بيروت، دار الصفوة، ۱۴۱۵ق؛ مواهب الجليل: الحطاب الرعيني (م. ۹۵۴ق)، به کوشش زکریا عميرات، بيروت، دار الكتب العلمية، ۱۴۱۶ق؛ المذهب البارع: ابن فهد الحلبي (م. ۸۴۱ق)، به کوشش العراقي، قم، النشر الاسلامي، ۱۴۱۳ق؛ نصب الراية: الزيلعي (م. ۷۶۲ق)، به کوشش ايمن صالح، قاهره، دار الحديث، ۱۴۱۵ق؛ النهاية: الطوسي (م. ۴۶۰ق)، به کوشش آقا بزرگ تهراني، بيروت، دار الكتاب العربي، ۱۴۰۰ق؛ نيل الاوطار: الشوكاني (م. ۱۲۵۵ق)، بيروت، دار الجيل، ۱۹۷۳م؛ وسائل الشيعه: الحر العاملي (م. ۱۰۴ق)، قم، آل البيت (ع)، ۱۴۱۲ق؛ الهدايه: الصدوق (م. ۳۸۱ق)، قم، مؤسسة الامام الهادي (ع)، ۱۴۱۸ق.

علی اکبر مؤمنی، محمد قدیریان



استقبال حجر: روی آوردن به حجرالاسود، از مستحبات مسجدالحرام

استقبال حجر ترکیبی است از «استقبال» از ریشه «ق - ب - ل» به معنای روی کردن، پیش رفتن^۱ یا روی کردن با رغبت^۲ و «حَجَر» که در این جا مقصود حجرالاسود^۳ است. این ترکیب به معنای روی کردن به حجرالاسود

۱. معجم مقاییس اللغة، ج ۵، ص ۵۱؛ لسان العرب، ج ۱۱، ص ۵۳۷، «قبل»؛ لغتنامه، ج ۲، ص ۱۸۴۰، «استقبال».
۲. التحقيق، ج ۹، ص ۱۸۶-۱۸۸، «قبل».

است که از مستحبات مسجدالحرام به شمار می رود و در روایت هایی به آن سفارش شده و پیامبر (ص) به این شیوه رفتار کرده است.^۳

بر پایه روایتی، رکن حجر مهم ترین رکن کعبه است که حجرالاسود در آن نهاده شده^۴ و سرآغاز و فرجام طواف است.^۵ از این رو، شماری از فقیهان شیعه به استحباب و برتری استقبال رکن حجرالاسود به هنگام نماز گزاردن درون کعبه فتوا داده اند.^۶ بر پایه روایت هایی، سبب این اهمیت، پیمان گرفتن خدا از مردم در این مکان در جهان ذر (اعراف/۷، ۱۷۲) پیش از بنای کعبه است.

افزون بر این، حجرالاسود را دست راست خدا در زمین خوانده اند که استلام^{*} آن همانند بیعت با خدا است.^۷ بر پایه روایات، اگر کسی نتواند از نزدیک آن را لمس کند، استقبال و اشاره به آن جایگزینی برای استلام آن است.^۸ برخی با این تحلیل که هر چیز در جهان ماده نمونه ای در جهان بالا دارد، استقبال

۳. الکافی، ج ۴، ص ۴۰۳-۴۰۴؛ المبسوط، سرخسی، ج ۴، ص ۱۰؛ الشرح الكبير، ج ۳، ص ۳۸۴.
۴. الکافی، ج ۴، ص ۱۸۵-۱۸۶؛ علل الشرايع، ج ۲، ص ۴۳۱-۴۳۲.
۵. الکافی ج ۴، ص ۴۰۴؛ تذكرة الفقهاء، ج ۸، ص ۸۸.
۶. من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۲۷۴؛ الحدائق، ج ۶، ص ۲۸۱؛ رياض المسائل، ج ۳، ص ۱۱۶.
۷. الکافی، ج ۴، ص ۱۸۵؛ علل الشرايع، ج ۲، ص ۴۲۴، ۴۳۰؛ وسائل الشيعه، ج ۱۳، ص ۳۱۷، ۳۳۹.
۸. الکافی، ج ۴، ص ۴۰۳؛ سنن الترمذی، ج ۲، ص ۱۷۵؛ وسائل الشيعه، ج ۱۳، ص ۳۱۶-۳۱۷.

اشاره به آن، پیش از طواف کعبه فتوا داده‌اند. به باور برخی، سخن شماری از فقیهان پیشین امامیه نشانگر وجوب استقبال حجرالاسود پیش از طواف است.^۸ به نظر مشهور امامیه، کار واجب نیست. برخی آن را در آغاز طواف، تأسی و اقتدا به معصوم و مستحب شمرده‌اند.^۹ برخی نیت طواف را در حال روبه‌رو شدن با حجرالاسود مناسب دانسته‌اند.^{۱۰} فقیهان شافعی در این زمینه دیدگاهی نزدیک به مشهور امامیه دارند و ترک استقبال را مایه ترک فضیلت دانسته‌اند؛ با این تفاوت که روی کردن با همه بدن به سوی حجرالاسود و نزدیک شدن به آن را در حال استقبال و پیش از نیت طواف، سفارش کرده‌اند.^{۱۱} برخی از اهل سنت استقبال با همه بدن را ضروری و ترک آن را مایه تردید در صحت طواف دانسته‌اند.^{۱۲} شماری از فقیهان تکرار استقبال حجرالاسود و اشاره به آن را در صورت امکان نداشتن استلام، در هر دور طواف، با برخی روایت‌ها سازگار دانسته‌اند.^{۱۳}

حجرالاسود را مجاز دانسته و آن را در حقیقت استقبال چیزی دانسته‌اند که برابر با آن در آسمان جای دارد.^۱

به هر روی، به نظر می‌رسد استقبال حجرالاسود، هم به دلیل اهمیت خود آن و هم به سبب اهمیت رکنی که حجرالاسود در آن قرار دارد، از مستحبات مسجدالحرام است. در حدیثی قدسی آمده که هنگام عروج پیامبر ﷺ به آسمان، به وی فرمان داده شد تا به حجرالاسود رو کند و تکبیر گوید و او همین‌گونه رفتار کرد.^۲ بر پایه روایتی از پیامبر ﷺ حجرالاسود روز قیامت به سود استلام گران و استقبال کنندگان خود گواهی می‌دهد.^۳ این سخن پاسخی است به گفته عمر بن خطاب که هنگام استقبال حجرالاسود، آن را فاقد هرگونه سود و زیانی دانسته بود.^۴

◀ موارد استقبال

▼ ۱. هنگام ورود به مسجدالحرام:

فقیهان شیعه^۵ و اهل سنت^۶ بر پایه برخی روایت‌ها^۷ به استحباب استقبال حجرالاسود و

۱. مرآة العقول، ج ۱۵، ص ۴۷۴.

۲. الکافی، ج ۳، ص ۴۸۵.

۳. مسند احمد، ج ۱، ص ۳۰۷؛ علل الشرایع، ج ۲، ص ۴۲۷؛ المبسوط، سرخسی، ج ۴، ص ۱۰.

۴. اخبار مکه، ج ۱، ص ۱۰۵؛ سنن الترمذی، ج ۲، ص ۱۷۵.

۵. الدروس، ج ۱، ص ۳۹۸؛ تذکرة الفقهاء، ج ۸، ص ۳۵۲.

۶. الشرح الکبیر، ج ۳، ص ۳۸۳؛ الفقه الاسلامی، ج ۳، ص ۲۲۲۳.

۷. الکافی، ج ۴، ص ۴۰۳؛ وسائل الشیعه، ج ۱۳، ص ۳۱۶-۳۱۷؛ سنن الترمذی، ج ۲، ص ۱۷۵؛ سبل السلام، ج ۲، ص ۲۰۶.

۸. المقنعه، ص ۴۰۰؛ کفایة الاحکام، ج ۱، ص ۳۳۰.

۹. الدروس، ج ۱، ص ۳۱۸؛ کفایة الاحکام، ج ۱، ص ۳۳۰؛ جواهر الکلام، ج ۱۹، ص ۲۹۱.

۱۰. الروضة البهیة، ج ۲، ص ۲۴۸؛ کفایة الاحکام، ج ۱، ص ۳۳۰؛ جواهر الکلام، ج ۱۹، ص ۲۹۱.

۱۱. المجموع، ج ۸، ص ۱۳، ۳۲.

۱۲. الشرح الکبیر، ج ۳، ص ۳۸۳.

۱۳. المقنعه، ص ۴۰۲؛ بدائع الصنائع، ج ۲، ص ۱۴۷؛ الدروس، ج ۱، ص ۳۹۸.

۲. پیش از رفتن به مسعی: بسیاری از فقیهان شیعه^۱ بر پایه روایاتی^۲ از اهل بیت پیامبر ﷺ به استحباب استقبال و اشاره به حجرالاسود پس از نماز طواف و پیش از رفتن به مسعی، فتوا داده‌اند. این استحباب هنگامی است که نزدیک شدن به حجر برای زائر امکان نداشته باشد یا با سختی و آزار رساندن به دیگران همراه شود.^۳ شماری از فقیهان اهل سنت استقبال حجر را در این مرحله سنت شمرده‌اند.^۴

۳. استقبال حجر از صفا: بر پایه فتوای فقیهان امامی، روی کردن به حجرالاسود از روی کوه صفا پیش از نیت سعی^۵ همراه گفتن ذکرهایی ویژه، مستحب است.^۶ آنان در حکمت و دلیل این استحباب و سنت، به روایتی از امام صادق علیه السلام تمسک کرده‌اند که چون آدم در صفا ساکن شد و از آنجا نگاهش به حجرالاسود افتاد، خدا را با عظمت یادکرد و زبان به تهلیل و تکبیر او گشود.^۷

۱. المقنعه، ص ۴۲۰؛ المبسوط، طوسی، ج ۱، ص ۳۶۱، ۳۷۷؛ تذکرة الفقهاء، ج ۸، ص ۱۳۰.
۲. الکافی، ج ۴، ص ۴۳۰-۴۳۱؛ التهذيب، ج ۵، ص ۱۴۴؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۳۴.
۳. نک: الکافی، ج ۴، ص ۴۰۹؛ المجموع، ج ۸، ص ۱۳.
۴. المصنف، ابن ابی شیبہ، ج ۴، ص ۴۵۸؛ المبسوط، سرخسی، ج ۴، ص ۱۲.
۵. المبسوط، طوسی، ج ۱، ص ۳۶۱؛ السرائر، ج ۱، ص ۵۷۸؛ تذکرة الفقهاء، ج ۸، ص ۱۳۱.
۶. الکافی، ج ۴، ص ۴۳۰-۴۳۱؛ المقنعه، ص ۲۵۸.
۷. الکافی، ج ۴، ص ۱۸۶؛ علل الشرائع، ج ۲، ص ۴۳۱؛ بحار الانوار، ج ۱۱، ص ۲۰۶-۲۰۷.

◀ آداب استقبال: در منابع شیعه^۸ و اهل سنت^۹ دعاها و ذکرهایی برای هنگام استلام یا روبه‌رو شدن با حجرالاسود، به عنوان آداب مواجهه با آن، آمده است. در حدیثی از امام صادق علیه السلام به زائر سفارش شده است که هنگام نزدیک شدن به حجرالاسود با بالا بردن دستان خود، حمد و ثنای الهی را به جای آورد و بر پیامبر ﷺ درود فرستاده، پذیرش کارهای خویش را از خداوند بخواهد و با اشاره به حجرالاسود، از ادای امانت خود یاد نماید و پیمانش را با خدا تازه کند.^{۱۰} بر پایه روایتی، تکبیر، تهلیل، تسبیح و دعا نیز هنگام استقبال حجرالاسود سفارش شده است.^{۱۱} در شماری از روایات، ذکرهایی دیگر سفارش شده‌اند.^{۱۲}

◀ منابع

- اخبار مکه: الفاکهی (م. ۲۷۹ق.)، به کوشش ابن دهیش، بیروت، دار خضر، ۱۴۱۴ق؛ بحار الانوار: المجلسی (م. ۱۱۱۰ق.)، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق؛ بدائع الصنائع: علاء الدین الکاسانی (م. ۵۸۷ق.)، پاکستان، المكتبة الحبيبية، ۴۰۹ق؛ التحقيق: المصطفوی، تهران، وزارت ارشاد، ۱۳۷۴ش؛ تذکرة الفقهاء: العلامة
۸. التهذيب، ج ۵، ص ۱۰۲؛ وسائل الشیعة، ج ۱۳، ص ۳۱۳-۳۱۴؛ کتاب الحج، ج ۵، ص ۴۸۳.
 ۹. المصنف، عبدالرزاق، ج ۵، ص ۳۳؛ المجموع، ج ۸، ص ۳۰.
 ۱۰. الکافی، ج ۴، ص ۴۰۳؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۳۱.
 ۱۱. الکافی، ج ۴، ص ۴۰۳، ۴۳۰-۴۳۱؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۳۱.
 ۱۲. الکافی، ج ۴، ص ۴۳۰-۴۳۱؛ المقنعه، ص ۲۵۸.

المجلسی (م. ۱۱۱۱ق.)، به کوشش رسولی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳ش؛ مسند احمد: احمد بن حنبل (م. ۲۴۱ق.)، بیروت، دار صادر؛ المصنّف: ابن ابی شیبّه (م. ۲۳۵ق.)، به کوشش سعید محمد، دار الفکر، ۱۴۰۹ق؛ المصنّف: عبدالرزاق الصنعانی (م. ۲۱۱ق.)، به کوشش حبیب الرحمن، المجلس العلمی؛ معجم مقاییس اللغة: ابن فارس (م. ۳۹۵ق.)، به کوشش عبدالسلام، قم، دفتر تبلیغات، ۱۴۰۴ق؛ الشرح الكبير: عبدالرحمن بن قدامة (م. ۶۸۲ق.)، بیروت، دار الکتب العلمیه؛ المقنّع: الصدوق (م. ۳۸۱ق.)، قم، مؤسسه الامام الهادی علیه السلام، ۱۴۱۵ق؛ المقنّع: المفید (م. ۴۱۳ق.)، قم، نشر اسلامی، ۱۴۱۰ق؛ من لا یحضره الفقیه: الصدوق (م. ۳۸۱ق.)، به کوشش غفاری، قم، نشر اسلامی، ۱۴۰۴ق؛ وسائل الشیعه: الحر العاملی (م. ۱۰۴۱ق.)، قم، آل البيت علیه السلام، ۱۴۱۲ق.

محمد اکبری کارمزدی



استقبال حجر ← استقبال (۲)

استقرار حج: ثبوت حج بر عهده مکلف

به سبب ترک آن پس از استطاعت

استقرار از ریشه «ق - ر - ر» به معنای جای گرفتن، آرام گرفتن و ثبوت است.^۱ مقصود از استقرار حج در اصطلاح فقیهان شیعه^۲ و

۱. معجم مقاییس اللغة، ج ۵، ص ۷؛ لسان العرب، ج ۵، ص ۸۴-۸۶، «قرر».

۲. تذکره الفقهاء، ج ۷، ص ۱۰۲؛ الروضة البهیة، ج ۲، ص ۱۷۲.

الحلی (م. ۷۲۶ق.)، قم، آل البيت علیه السلام، ۱۴۱۴ق؛ تهذیب الاحکام: الطوسی (م. ۴۶۰ق.)، به کوشش موسوی و آخوندی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ش؛ جواهر الکلام: النجفی (م. ۱۲۶۶ق.)، به کوشش قوچانی و دیگران، بیروت، دار احیاء التراث العربی؛ الحدائق الناضره: یوسف البحرانی (م. ۱۱۸۶ق.)، به کوشش آخوندی، قم، نشر اسلامی، ۱۳۶۳ش؛ الدروس الشرعیة: الشهید الاول (م. ۷۸۶ق.)، قم، نشر اسلامی، ۱۴۱۲ق؛ الروضة البهیة: الشهید الثاني (م. ۹۶۵ق.)، به کوشش کلاتر، قم، داوری، ۱۴۱۰ق؛ ریاض المسائل: سید علی الطباطبائی (م. ۱۲۳۱ق.)، قم، النشر الاسلامی، ۱۴۱۲ق؛ سبل السلام: الکحلانی (م. ۱۱۸۲ق.)، مصر، مصطفى البابی، ۱۳۷۹ق؛ السرائر: ابن ادریس (م. ۵۹۸ق.)، قم، نشر اسلامی، ۱۴۱۱ق؛ سنن الترمذی: الترمذی (م. ۲۷۹ق.)، به کوشش عبدالوهاب، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۲ق؛ علل الشرایع: الصدوق (م. ۳۸۱ق.)، به کوشش بحر العلوم، نجف، المكتبة الحیدریه، ۱۳۸۵ق؛ الفقه الاسلامی وادلتة: وهبة الزحیلی، دمشق، دار الفکر، ۱۴۱۸ق؛ الکافی: الکلینی (م. ۳۲۹ق.)، به کوشش غفاری، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۵ش؛ کتاب الحج: محاضرات الخوئی (م. ۱۴۱۳ق.)، الخلیف، قم، مدرسة دار العلم، ۱۴۱۰ق؛ کفایة الاحکام (کفایة الفقه): محمد باقر السبزواری (م. ۱۰۹۰ق.)، اصفهان، مدرسة صدر مهدوی؛ لسان العرب: ابن منظور (م. ۷۱۱ق.)، قم، ادب الحوزة، ۱۴۰۵ق؛ لغت نامه: دهخدا (م. ۱۳۳۴ش.) و دیگران، مؤسسه لغت نامه و دانشگاه تهران، ۱۳۷۳ش؛ المبسوط فی فقه الامامیه: الطوسی (م. ۴۶۰ق.)، به کوشش بهبودی، تهران، المكتبة المرتضویه؛ المبسوط: السرخسی (م. ۴۸۳ق.)، بیروت، دار المعرفة، ۱۴۰۶ق؛ المجموع شرح المذهب: النووی (م. ۶۷۶ق.)، دار الفکر؛ مرآة العقول: